

مقالات (١٦)



مرکز مطالعات متین

[MatinStudies.com](http://MatinStudies.com)

## يهود از نگاه تلمود

یحیی الموسی | ترجمه: سعید خمیری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## یهود از نگاه تلمود

الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على رسل الله وعلى خاتمهم محمد بن  
عبدالله .. أما بعد:

اینجا متونی از کتاب‌های یهود را برای شما نقل می‌کنم که مثال‌های روشن  
آن در کتاب‌های چاپی آنها کم نیستند، اما تلاش می‌کنم موضوعات مهم را به  
صورت دقیق و کامل ذکر نموده و موارد اضافی را حذف کنم. بنده این انواع را  
تحت شش مجموعه قرار داده‌ام و سپس آن را با یک داستان طنز خاتمه  
می‌دهم.

تمامی آنچه که از تلمود یا از سخن موسی بن میمون نقل می‌کنم از کتاب «تلمود» نوشته دکتر روهلنگ - شارل لوران - ، و آنچه از سموئیل بن یهودا آورده‌ام از کتاب معروفش بنام «بذل المجهود فی افحام الیهود» است، و آنچه از عبدالحق مغربی نقل کرده‌ام از کتاب خود وی بنام «الحسام الممدود فی الرد علی الیهود» بوده ، و آنچه از سموئیل اورشلیمی ذکر کرده‌ام از کتاب وی «رسالة السبعیه بابطال الدیانه الیهودیه» است، و آنچه از سعدیا اسکندرانی نقل کرده‌ام از کتاب ایشان «اثبات نبوه البشر» بوده است، همه این شخصیت‌ها - به جز روهلنگ- از خام‌های یهود بودند که به اسلام روی آوردند.

## ۱. دیدگاه یهود نسبت به ذات الهی

در تلمود آمده است: «تعالیم و آموزه‌های خام‌ها قابل نقض و تغییر نیست حتی اگر به دستور خداوند باشد، روزی بین خدا و علمای یهود در مورد مسئله‌ای اختلاف نظریش آمد و پس از بحثی طولانی، تصمیم گرفته شد که

این موضوع اختلافی به یکی از بزرگان حاخام‌ها ارجاع داده شود و پس از حکم حاخام بزرگ، خداوند مجبور شد به اشتباه خود اعتراف کند!».

و در متنی دیگر آمده است: «پس از آن، خداوند به اشتباه خود در رابطه با اعلام تخریب معبد اعتراف نمود، سپس به گریه و زاری نشست...» (از ذکر ادامه متن معذور هستیم).

سموئیل بن یهودا می‌گوید: «از جمله: فعل ندامت و پشیمانی را به خداوند - سبحانه و تعالی - نسبت می‌دهند، برای نمونه در توراتی که امروزه در دست یهودیان است آمده: (و خداوند از آفرینش بشریت در دنیا پشیمان شد و این کار برای او سخت آمد)»، و همچنین آنچه خداوند برای پیامبر سموئیل - علیه السلام - گفت: «از اینکه شاوول را بعنوان پادشاه بر بنی اسرائیل گماشتم پشیمان شدم».

ایشان در جای دیگر بیان می‌کند: «و از گفته منتسبین به این راه و روش این است که: (چرا انسان‌ها می‌پرسند که پروردگارشان کجاست؟! توجه کن، چرا

می‌خواهی ای پروردگار؟ از خوابت برخیز!) این افراد بر اثر احساس حقارت ناشی از ذلت و خواری و بردگی، این خزعلات کفرآمیز را به زبان آورده‌اند، و انتظار گشایش و امید فقط فاصله آنها را بیشتر نموده و منجر شد که آنان به بی‌خودی و بی‌تابی دچار شوند و به نوعی بی‌دینی و هذیان‌گویی پردازند که تنها عقل‌های ضعیف آنها می‌توانست آن را بپسندد؛ سپس با این نوع مناجات غیر شایسته به خود جرات دادند که به راز و نیاز با خدا پردازند و نیازهایشان را از درگاه او بخواهند!»

و مصداق آن در قرآن بیان شده است در آنجایی که خداوند به نقل از آنان می‌گوید: **{يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ}** [مائده: ۶۴] (دست الله [از خیر و بخشش] بسته است)، و در آیه‌ای دیگر آمده که گفتند: **{إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ}** [آل عمران: ۱۸۱] (الله فقیر است و [از ما قرض می‌خواهد و] ما بی‌نیازیم). او تعالی پاک و منزّه است و از آنچه آنان می‌گویند، بسی برتر است.

## ۲. دیدگاه یهود نسبت به سایر ملت‌ها

موسی بن میمون در تفسیر جمله (دزدی نکنید) که در تورات آمده می‌گوید: «دزدی از یهودیان حرام بوده اما از غیر یهودیان جایز است... زیرا خداوند اموال سایر ملت‌ها را برای بنی اسرائیل حلال دانسته است!» و در جای دیگر می‌گوید: «حتی تعرض به زنان بیگانه (غیر یهودی) جایز است، او حتی می‌گوید: «هر بیگانه‌ای (غیر یهودی) باید کشته شود»!

در تلمود آمده است: «فریب دادن انسان بی‌سواد و نادان و تصرف دارایی او از طریق رباخواری جایز است!» و در جایی دیگر آمده است: «اگر بت پرستی در چاله‌ای افتاد، باید آن چاله را با سنگ پر کنید». تلمود، بیگانگان - غیر از یهودیان - را سگ می‌پندارد، حتی در برخی کتاب‌هایشان آمده است: «سگ بهتر از یک بیگانه است؛ چرا که یهودیان می‌توانند در اعیاد خود به سگ‌ها غذا بدهند اما حق ندارد به بیگانه‌ها غذا بدهند!»، سموئیل این را در کتاب خود تأیید نموده و می‌گوید: «من بر این باور هستم که آن‌ها به سبب قباحه عقل‌هایشان و دیدگاه‌های منفی نسبت به ملت‌های دیگر، بیشتر به سگ می‌مانند و نسبت به این تشبیه و لقب سزاوارتر هستند».

حاحام ابارنیل - آنگونه که روهلنگ از وی نقل می کند - آفرینش غیریهودی به شکل انسان را اینگونه توجیه می کند: «تا برازنده خدمت به یهودیان باشند که دنیا برای آن ها آفریده شده است».

عبدالحق مغربی می گوید: «آنان می پندارند که دشنام دادن به مسلمانان و نفرین کردن آن ها و سایر ملت ها در عبادت هایشان از امور واجب است!».

خداوند درباره آن ها می گوید: **{يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا}** [مائده: ۳۳] ((با قتل و دزدی و فحشا) در زمین به فساد می کوشند). و همچنین می فرماید: **{وَمِنْهُمْ مَّنْ إِن تَأْمَنُ بِدِينَارٍ لَا يُوَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ}** [آل عمران: ۷۵] (و از [میان] آنان کسی هست که اگر او را بر دیناری امین بشماری، آن را به تو باز نمی گرداند؛ مگر آنکه پیوسته بر [دریافت] آن ایستادگی کنی. این به سبب آن است که آنان می گویند: «در مورد [خوردن اموال] امیها [غیریهود]، گناهی بر ما نیست).

۳. دیدگاه یهودیان نسبت به خود

در تلمود آمده است: «اسرائیلیان نزد خداوند بر ملائکه برتری دارند، اگر شخص گویم [= غیر یهودی]، یک اسرائیلی را مورد ضرب قرار دهد گویا ضربه‌ای به جبروت الهی وارد کرده است».

سموئیل می‌گوید: «آنها - با از بین رفتن دولت و پراکنده شدنشان، و آگاهی از خشمی که مردم نسبت به آنها دارند - هر روز در عباداتشان می‌گویند که ما فرزندان و دوستان خداوند هستیم، و این را هر روز در عباداتشان تکرار می‌کنند».

در تلمود آمده است که: «یک انسان [یعنی یهود]، هر چقدر هم که در باطن شرور و در ظاهر خوب باشد نجات می‌یابد و رستگار می‌شود».

سموئیل در مورد یهودیان چنین می‌گوید که آنان: «خود را به خوشه‌های انگور و دیگر ملت‌ها را به سیم خاردار بالای دیوار باغ انگور تشبیه می‌کنند، و این نتیجه کوتاه فکری و تنگ‌نظری آنان است چرا که باغبان برای حفاظت از باغ، بر بالای دیوارهای خود خار می‌گذارد، و ما برای یهودیان چیزی جز آزار و

ذلت و تحقیر از سوی بقیه اقوام نمی‌بینیم و این مهر بطلانی است بر حرف‌های آنها».

و در قرآن کریم به نقل از یهودیان آمده که آنان می‌گویند: **نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبُّهُ** [مائده: ۱۸] (ما پسران و دوستان الله هستیم)، با این وجود، آنان از حقیقت حال خود نزد الله باخبرند؛ دکتر جوزف بارکلی [همانگونه که روهلنگ از وی نقل کرده است] می‌گوید: «در تلمود نمونه‌هایی از درد و رنج حاخام‌ها از منظره مرگ وجود دارد، که آنها امیدی به نجات و رهایی خود از مرگ نداشته و بیم از آن دارند که روانه جهنم شوند»، خداوند در جای در دیگر در وصف آن‌ها می‌گوید: **وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحِّزِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ** [بقره: ۹۶] ((ای پیامبر!) قطعاً اینان [یهود] را حریص‌ترین مردم بر زندگی خواهی یافت؛ [حتی] حریص‌تر از مشرکان. هریک از آنان دوست دارد هزار سال عمر کند؛ در حالی که [حتی] اگر این عمر [دراز] به او داده شود، [باز هم طول عمرش] او را از عذاب دور نمی‌کند).

#### ۴. دیدگاه یهود نسبت به اقوال حاخام‌ها

حاحام مناخم در تلمود می‌گویند: «هرگاه خداوند با مشکلی برخورد می‌کند و نمی‌تواند آن را در آسمان حل کند، با حاحام‌های روی زمین مشورت می‌کند!».

در تلمود آمده است: «کسی که گفتار حاحام‌ها را بی‌ارزش بیندارد از کسی که گفته‌های تورات را بی‌ارزش بداند به مرگ سزاوارتر است، و هر کسی که تلمود را رها کند و تنها به تورات بچسبد، رهایی نخواهد یافت؛ چرا که گفته‌های دانشمندان یهود بهتر از آن چیزی است که در شریعت موسی آمده است».

روهلنگ به نقل از کتابی که یک یهودی به نام کرافت نوشته - و در سال ۱۵۰۹ منتشر شده است - می‌گوید: «بدان که گفتار حاحام‌های یهود بر گفتار پیامبران برتری دارد، و باید اقوال حاحام‌ها را مثل شریعت بدانی، چرا که گفتار حاحام‌ها همان گفته‌های خدای زنده است!».

موسی بن میمون می‌گوید: «هراس از حاخام‌ها به منزله هراس از خداوند است».

و مصداق این امر در قرآن نیز ذکر شده است، آنجایی که خداوند در مورد آن‌ها می‌گوید: **{اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ}** (توبه: ۳۱)؛ ((آنها) علما و راهبان خود و را به جای الهه [به عنوان] معبودان خویش تلقی کردند).

## ۵. دیدگاه یهود نسبت به پیامبران

عبدالحق مغربی نمونه‌های زیادی از اتهام زناکاری پیامبران و پدرانشان توسط یهودیان بیان می‌کند، برای نمونه تهمت‌هایی که به لوطا و یهودا فرزند یعقوب و حتی عمران پدر موسی - علیه السلام - و... می‌زنند، او با ذکر این موارد می‌گوید: «و اگر درنگ به این اشکالات و انواع کفرهای آنان بپردازیم می‌توانیم به موارد بسیار زیادی اشاره کنیم، اما همین اندازه کافی است»، برخی از مقولاتی که عبدالحق به آن اشاره می‌کند امروزه در دسترس ما قرار

یهود از نگاه تلمود |

دارد، و برای مطالعه آن می‌توانید به «سفر خروج» مراجعه کنید تا ببینید چگونه هر تهمت بزرگی را در حق پیامبران الهی روا می‌دارند.

اسرائیل بن شموئیل اورشلیمی - حاخام هدایت یافته یهودی - خطاب به یهودیان می‌گوید: «بر کسی پوشیده نیست که در گذشته عیسی - علیه السلام - به سوی شما آمد، اما تکبر ورزیدید، و در مورد او سخنانی بسیار زشت و حرام که ناحق و دروغ و افترا بود بر زبان رانیدید».

سموئیل بن یهودا می‌گوید: «و اما سرورمان رسول الله ﷺ نزد آن‌ها دو نام دارد، که نفرین خداوند و ملائکه و تمامی انسانان بر آنان باد؛ یکی از آن دو اسم (فاسول) به معنای پست و فرومایه و دومی (موشکاع) به معنای دیوانه است، و همچنین قرآن کریم را در میان خود با نام (قالون) به معنای شریاد می‌کنند و نیز آنرا عورت مسلمان می‌خوانند».

خداوند در رابطه با آزار دیدن موسی از یهودیان می‌گوید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا** {أحزاب: ۶۹} (ای کسانی که

ایمان آورده‌اید، [پیامبر را نیازارید و] مانند کسانی نباشید که موسی را [با  
تهمت‌های ناروا] آزدند، سپس الله او را [از آنچه در حقش می‌گفتند] تبرئه  
نمود) و همچنین آمده است که آنان: **كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ  
النَّبِيَّانَ بِغَيْرِ الْحَقِّ** [آل عمران: ۲۱] (به راستی، کسانی که به آیات الله کفر  
می‌ورزند و پیامبران را به ناحق [و فقط از روی ستم و دشمنی] می‌کشند؛ و  
همچنین از نارواگویی آنان نسب به پیامبر اعظم ﷺ چنین می‌فرماید: **وَإِذَا  
جَاءَكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا  
نَقُولُ** [مجادله ۸] (و هنگامی که نزد تو می‌آیند، به نحوی به تو درود  
می‌فرستند که الله با آن [کلمات،] به تو درود و سلام نگفته است [و به جای  
السلام عليك، السَّامُ عَلَيْكَ یعنی مرگ بر تو می‌گفتند]).

## ۶. عقل و خرد یهودیان

سموئیل بن یهودا می‌گوید: «تورات به کند ذهنی و بی‌خردی آنان گواهی  
می‌دهد در آنجایی که می‌گوید: آنان قومی بی‌بصیرت و بی‌ذکاوت هستند».

سموئیل دربارهٔ خردگرایی و علم‌گرایی یهودیان می‌گوید: «در واقع، در میان ملت‌هایی که دانشی را از خود بجای گذاشته‌اند و برای پس از خود نیز به یادگار گذاشته‌اند ذکر و یادی از آنان (یهودیان) نیست، و تمامی آنچه به آنان نسبت داده شده است برگرفته از دانش‌های دیگر ملت‌هاست مانند برخی از فنون فلسفی که از حکما و فلاسفۀ یونان و بخشی را نیز از نبطیان گرفته‌اند، اما استفادهٔ آن‌ها از کتاب‌های مسلمانان در علوم مختلف به دلیل فراوانی و گستردگی قابل شمارش و ذکر نیست».

و از پدران‌شان چنین یاد می‌کند: «آنان هر روز نشانه‌های حسی و آتش آسمانی را مشاهده می‌کردند، چیزی که امت‌های دیگر با آن روبرو نمی‌شدند، اما با این وجود، موسی و هارون را بیشتر اوقات مورد تهمت و بهتان قرار می‌دادند، گوساله‌پرستی در زمان موسی، و ترجیح دادن بازگشت به مصر و بردگی و سیر شدن از گوشت، پیاز و خیارچمبر برای بیان رذالت آن‌ها کافی است، پس از عصر یوشع بن نون رو به بت پرستی آوردند و به صف ابشالوم فرزند عاق و ناخلف داود پیوستند؛ و بزرگترین رو سیاهی آنان همراه

شدن با این فرزند ناخلف و عصیانگر بود که آنان را به جنگ با پادشاه بزرگ و پیامبر بزرگوار داود سوق داد، آن‌ها عده‌ای اراذل و اوباش بودند که با سخنان پوچ و توخالی دور هم جمع می‌گشتند و با کوچکترین اختلاف از هم جدا می‌شدند، و اما پرستش دو قوچ و رها کردن حج بیت المقدس، و اصرار بر سرپیچی از سخنان پیامبران، به از بین رفتن دولتشان منجر شد؛ انسانی که اندک بهره‌ای از دانش و خرد داشته باشد می‌داند که امتی چنین رسوا نمی‌تواند از دیگر امت‌ها عیب‌جویی کند.

سپس -رحمه الله- به اسباب دوری آن‌ها از عقل و خرد اشاره نموده و می‌گوید: «در هر حالت شخص خردمند نباید تمامی کفریات و گمراهی این گروه را دور از ذهن بداند، چنانچه امتی قدرت و دولتش توسط قدرت و دولتی دیگر فروپاشیده شود و سرزمین خود را از دست دهد، تمامی حقایق و آثار و تاریخ گذشته آن‌ها از بین می‌رود و دستیابی به آن ناممکن می‌شود، و هر چه آن امت قدیمی‌تر باشد و توسط دشمنان بیشتری خوار و ذلیل شود بیشتر ناپدید می‌شود، و این امت بدون شک بیشترین بهره را در این زمینه داشته؛

چرا که از قدیمی‌ترین امت‌ها است و امت‌های زیادی از کنعانیان، بابلیان، فارس‌ها، یونانیان، مسیحیان، و مسلمانان بر آنان مسلط شدند، و هر کدام از این امت‌ها به استثنای مسلمانان تمام تلاش خود را برای ریشه‌کن کردن آن‌ها و مبالغه در سوزاندن شهرها و کتاب‌هایشان به کار بستند، و بیشترین آزاری که یهودیان دیدند از پادشاهان عصیانگرشان مانند احاب، احزیا، امصیا، یهورام و یربعام بن نباط و غیره بود که پیامبران بنی‌اسرائیل را به قتل رساندند، و برای کشتن پیامبران به دنبال آن‌ها می‌گشتند، و بت‌ها را پرستیدند، و به دنبال آن، بیشتر بنی‌اسرائیل احکام تورات و شریعت را به مدتی طولانی و دوره‌های به هم پیوسته رها کردند».

در پایان؛ سموئیل داستان طنزی از یهودیان بغداد - که به گفته او باهوش ترین و داناترین یهودیان بودند - برای ما تعریف می‌کند:

دو یهودی مکار و حيله‌گر به بغداد آمدند، آن‌ها نامه‌ای از زبان «مناحیم» از فقهای یهود جعل کرده بودند که آن‌ها را به گشایشی که از قدیم منتظر آن

بودند مژده می‌داد، و آن پرواز دسته‌جمعی همه یهودیان در شب به بیت المقدس بود!

یهودیان بغداد - با وجود ادعای تیزهوشی و ذکاوت که به آن می‌بالیدند - همگی او را تصدیق نموده و همسرانشان پول‌ها و جواهرات خود را نزد آن دو شاید یهودی بردند تا به هرکسی که صلاح می‌دانند صدقه دهند، یهودیان بغداد همه اموال و دارایی‌های خود را در اختیار آن دو شاید گذاشته، و خود لباسی سبز بر تن کردند و در شبی که برایشان تعیین شده بود بر پشت بام خانه‌هایشان منتظر بال‌های فرشتگان بودند تا آن‌ها را به بیت المقدس ببرد. زن‌های یهود بر کودکان شیرخواره خود می‌گریستند از ترس اینکه مبادا خودشان قبل از کودکانشان به پرواز درآیند، و یا کودکانشان قبل از آن‌ها پرواز کنند و به دلیل تأخیر در شیر دادن، کودکانشان گرسنه بمانند!

مسلمانان بغداد از آنچه بر سر یهودیان آمده بود شگفت زده شدند، و از مخالفت با آن‌ها سرباز زدند تا آثار وعده‌های دروغین برایشان هویدا شود، و آن‌ها همچنان مشتاق پرواز بودند تا اینکه سپیده دمید، و خوار و ذلیل شدند،

و آن دو شیاد با اموالی که از یهودیان گرفته بودند از شهر گریختند. یهودیان متوجه شدند چه کلاهی بر سرشان رفته، و آن سال را «سال پرواز» نامیدند، و پیری و جوانی را بر مبنای این سال تشخیص می‌دادند. تاریخ یهودی شده‌های بغداد در عصر ما نیز همین است... و این ننگ همیشه همراه آنان است.

یحیی الموسی | مترجم: سعید خمیری

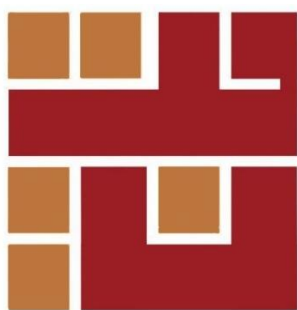
منابع:

- «تلمود» نوشته «روهلنگ»؛ پس از آن، در حاشیه به آن مستندات ذکر کرد و گفت: (خوانندگان، گمان نبرید که این آموزه‌ها و نوشته‌ها فقط در تلمود قدیم ذکر شده است، بلکه در نسخه‌های چاپ جدید در آمستردام سال ۱۶۴۴، و در سالزبورگ سال ۱۷۶۵، و در ورسوایا نیز مشاهده شده است).

- «بذل المجهود في إفحام اليهود» نوشته «سموئیل بن یهودا».

- «الحسام الممدود في الرد على اليهود» نوشته «عبد الحق مغربي».
- «مسالك النظر في إثبات نبوة البشر» نوشته «سعديا اسكندراني».
- «الرسالة السبعية بإبطال الديانة اليهودية» نوشته «اسرائيل بن سمويل اورشليمي».
- «العهد القديم» چاپ يسوعيه.

یهود از نگاه تلمود



**مرکز مطالعات متین**

[www.MatinStudies.com](http://www.MatinStudies.com)

[t.me/MatinStudies](https://t.me/MatinStudies)

[facebook.com/MatinStudies](https://facebook.com/MatinStudies)

[Instagram.com/Matinstudies](https://Instagram.com/Matinstudies)

[X.com/Matinstudies](https://X.com/Matinstudies)